

## جریان تصاعد در جنگ ایران و عراق\*

نویسنده: فیلیپ سابین و افرایم کارش  
مترجم: گروه مطالعات جنگ

### چکیده

نویسنده به پاره‌ای از مسائل تصاعد در تاریخ جنگها و تصاعد در کشمکشهای هسته‌ای بین شرق و غرب می‌پردازد و هدف خود را از بررسی مسئله تصاعد در جنگ ایران و عراق اینطور بیان کرده است که کدامیک از تئوریهای تصاعد با تجربه جنگ ایران و عراق انطباق بیشتری دارد. او در ابتدای هر بحث سؤالی را مطرح کرده و توضیح و جواب سؤال خود را با کنکاش در جنگ ایران و عراق و با استفاده از مسئله تصاعد در جنگهای مختلفی مثل جنگ اعراب و اسرائیل، جنگ کره و ... ارائه کرده است. در آخر ویژگیهای تصاعد در جنگ ایران و عراق را بیان کرده و با روز شماری چند از وقایع جنگ ایران و عراق مقاله خود را به پایان می‌برد.



### مقدمه مترجم

سابقه مفهوم تصاعد در ادبیات دفاعی استراتژیک، به پیدایش ایده جنگ محدود در دکترینهای هسته‌ای برمی‌گردد. دکترین جنگ محدود هسته‌ای براین فرض استوار بود که دست زدن به یک جنگ هسته‌ای کنترل شده بین دو بلوک شرق و غرب نه تنها ممکن است بلکه به نوبه خود موجب تحکیم بازدارندگی هسته‌ای بین ابرقدرتها می‌گردد. چون حریف متوجه خواهد شد که خسارت وارده، تنها مشتی از خروار است، به طور عینی معمولی در

\* Philip A.Sabin and Efraim Karsh, Escalation in the Iran-Iraq War, *Survival*, V.XXXI, No.3, (May-June 1989), PP.241-255

خواهد یافت که ادامه دادن به تبادل هسته‌ای و درگیر شدن در یک جنگ تمام عیار چه عواقب و خیمی به بار خواهد آورد. در مقابل این دکترین عده‌ای از تحلیل‌گران استراتژی با طرح این انتقاد که دکترین جنگ محدود بر مفروض اولیه وجود بازیگران کاملاً "عقلایی از دو طرف درگیری بنا شده است، مسئله تصاعد را مطرح کردند. بطور خلاصه تصاعد به معنای آن است که به دلایل مختلف هیچ تضمینی وجود ندارد که یک سطح از درگیری هسته‌ای به سطحی بالاتر ارتقاء پیدا نکند و بنابراین، فکر ممکن بودن یک جنگ هسته‌ای کوچک و کنترل شده دیوانگی محض است. چون هر لحظه ممکن است جنگ به عرصه‌هایی کشیده شود که نتیجه نهایی همان نابودی دو طرف خواهد بود همچنان که نویسندگان مقاله یادآوری می‌کنند مفهوم تصاعد بیشتر در عرصه هسته‌ای مورد بحث قرار گرفته است و مقاله حاضر یکی از محدود منابعی است که سعی کرده این مفهوم تئوریک را در جنگ ایران و عراق مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. با توجه به این نوع نگرش به جنگ ترجمه این مقاله مفید به نظر می‌رسد. لازم به توضیح است که این مقاله قبل از جنگ متحدین علیه عراق نوشته شده است.



مطالب فراوانی درباره تصاعد<sup>۱</sup> بحران در عرصه استراتژی هسته‌ای یا دخالت ابرقدرت‌ها در جنگ‌های محدودی چون ویتنام نوشته شده است.<sup>۲</sup> افزون بر آن، ریچارد اسموک مسأله تصاعد را در جنگ‌های گوناگون پیش از سال ۱۹۴۵ بررسی کرده است.<sup>۳</sup> اما درباره پویایی تصاعد در منازعات میان کشورهای پیشرفته جهان سوم تاکنون بحث چندانی صورت نگرفته است. این موضوع با توسعه تجهیزات نظامی پیچیده از جمله

۱- شدت یافتن، بالاگیری، اوج گرفتن

2-Lawrence Freedman, "On the Tiger's Back: the Development of the Concept of Escalation: in Roman Kolkowicz (ed.), The Logic of Nuclear Terror (Boston, MA: Allen and Unwin, 1987).

3-Richard Smoke, War: Controlling Escalation (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1977).

تسلیمات هسته‌ای و شیمیایی در کشورهای جهان سوم اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد و خصوصیت‌های محلی نیز نسبت به بر خورد ایدئولوژیکی شرق و غرب اهمیت بیشتری می‌یابد. برخی از تئوریهای تصاعد، مانند اهمیت «آستانه‌ها»<sup>۱</sup> که ممکن است همراه با خشونت باشد، در مباحث استراتژیک پذیرفته شده‌اند.

دیگر تئوریها مانند کنترل ناپذیری تصاعد و اهمیت بر خورداری از سلطه در تصاعد نظامی بسیار بحث برانگیز باقی مانده است. در این مقاله تأثیر مهمترین درگیری اخیر در جهان سوم، یعنی جنگ هشت ساله بین ایران و عراق، بر تئوری تصاعد «ابر قدرتها» بررسی می‌شود. هدف این است که دریابیم کدامیک از تئوریهای تصاعد، با تجربه جنگ خلیج (فارس) انطباق بیشتری دارد و آیا منطق حاصل در زمینه پویایی تصاعد ابر قدرتها در این مورد نیز صدق می‌کند همچنین موضوع نادیده گرفتن کاهش تصاعد، که عاملی مهم در این جنگ، مدت‌ها قبل از آتش‌بس نهایی بود بررسی خواهد شد.<sup>۲</sup>

درباره تاریخ جنگ ایران و عراق تاکنون نظریات زیادی مطرح شده و همچنین روز شماری از این جنگ نیز در پایان مقاله برای یادآوری ترتیب وقایع آمده است.<sup>۳</sup> این مقاله شامل موضوعات تئوریک است تا رهیافتی تحلیلی فراهم کند و نتیجه‌گیری‌هایی ارائه شود که قابل اعمال درگیری منازعات جهان سوم هم باشد. هدف اصلی ارائه بینش عمیقتری درباره جریان تصاعدی این جنگ بین متخاصمین منطقه‌ای است که ممکن است با در نظر داشتن اختلافات در موارد مشخص در منازعات مشابهی، که در آینده بین قدرتهای منطقه‌ای ایجاد می‌شود از آن استفاده نمود.

### آیا تصاعد، عمدی و کنترل پذیر است؟

بحث اصلی تئوریک در تصاعد بحران این است که آیا شرکت‌کنندگان از یک نردبان و یا یک آسانسور استفاده می‌کنند؛ یعنی آیا شدت دشمنی را کنترل می‌کنند یا این گونه خصوصیتها

۱- منظور از آستانه، نقاط عطفی است که در جنگها بوجود می‌آید و باعث گسترش دامنه جنگ می‌شود.

2- On Escalation: Metaphors and Scenarios (New York: Praeger 1965) on war termination, see Fred Ikle, Every War Must End (New York: Columbia University Press, 1971). 3- Edgar O'Ballance, The Gulf War (London: Brassey's, 1988).

به طور ذاتی، جریانی رو به افزایش است.<sup>۱</sup>

این دو امکان ویژگی انحصاری دوجانبه دارد؛ زیرا ممکن است متخصصان، سیاستهای خود را حفظ کنند اگرچه شاید جریان نبرد با اقدامهای تعاملی، در وضعیتی که به نفع هیچیک از دو طرف نیست، گسترش یابد؛ گستره‌ای که در آن، متخصصان به طور واقعی در کنترل عملکردهای خود می‌کوشند و توانایی فشارهای تصاعدی و ذاتی در این مسائل، مهم به شمار می‌آید.

از دست دادن کنترل، که اغلب در جنگ هسته‌ای پیش‌بینی می‌شود، به دلیل وجود اختلال در خطوط فرماندهی است.<sup>۲</sup> این مسأله در مورد جنگ ایران و عراق صدق نکرد زیرا در این جنگ هر یک از دو طرف متخصصان با ابتکار ات نظامی خود جنگ را در کنترل کامل داشت. مهمترین اقدام نظامی ناخواسته در جولای ۱۹۸۸ رخ داد که ناو «وینسنس» آمریکا به صورتی غیر عمدی<sup>۳</sup> یک هواپیمای مسافربری ایرانی را سرنگون کرد. این امر نه تنها باعث انتقام خشمگین ایران نگردید بلکه به نظر می‌رسد که این مسأله یکی از عوامل متقاعدکننده ایران در پذیرش آتش‌بس پیشنهادی سازمان ملل پس از دو هفته بود.<sup>۴</sup> رویدادهای اتفاقی نظیر درگیری ناوهای «وینسنس»<sup>۵</sup> و «استارک»<sup>۶</sup> (که با موشکهای

1-Schelling, Arms and Influence (New Haven,CT: Yale University Press,1966).

2-For example, Desmond Ball, Can Nuclear War be Controlled?, Adelphi Paper 169 (London: IISS, 1981).

۳- شواهد، گواه آن است که حمله موشکی به هواپیمای مسافربری بر اساس برنامه‌ای از قبل طراحی شده و حاوی پیام تهدیدآمیز امریکابه‌ایران بوده است.

4-The Independent,19 July 1988. The accidental attack on the USS Stark in May 1987 might have triggered a confrontation between Iran and the U.S, had Iran rather than Iran been responsible.

5- Vincennes

6- Strwk

عراقی در ماه مه ۱۹۸۷ از کار افتاد) مواردی بسیار استثنایی است. دیگر اقدامات نظامی بیشتر حالتی عمدی و سنجیده داشت و متخصصین بر اساس منافع، هزینه‌ها، محدودیتها و اهداف معین خود آنها را مورد بررسی و سنجش قرار می‌دادند.

در این جنگ اقدامات شتابزده غیر محتاطانه مبهم انجام نشد، بسیاری از صاحب‌نظران نگران بودند، چنین وقایعی که امکان آن در جنگ هسته‌ای وجود دارد، در این جنگ نیز رخ دهد. نخستین اقدام مهم تصاعدی عراق، که همان تصمیم عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ مبنی بر افزایش منحصم با ایران از حالت درگیریهای مرزی به جنگی تمام عیار بود، یک روند عمدی و صعودی به شمار می‌آید که تنها پس از ناتوانی در مهار خطر ایران با ابزار دیگری انجام شد. همین امر در مورد اقدامهای تصاعدی بعدی عراق صدق می‌کند که بمباران محدود شهرهای ایران از لحاظ گستره شدت و مدت پس از تبلیغات هشدار دهنده طولانی انجام می‌پذیرفت. تمسک عراق به سلاحهای شیمیایی، اگرچه سیر صعودی داشت، بسیار محدود بود.<sup>۱</sup> البته عراق تا قبل از هشدارهای طولانی مبنی بر استفاده از سلاحهای شیمیایی و کاربرد ابتدایی، گاز اشک‌آور از جولای تا اوت ۱۹۸۲، از گازهای کشنده شیمیایی استفاده نکرد. عراق گازهای سمی را تنها در نقاط حساس جبهه به کار برد و این تنها در در وضعیتی بود که امکان متوقف کردن حملات ایران از هیچ راه دیگری وجود نداشت.

ایران به نوبه خود در واکنش به حملات تحریک‌آمیز عراق علیه نفتکشها از سال ۱۹۸۴ بسیار محتاط بود و در مدتی طولانی، واکنشهای ایران در پایین‌ترین سطح ممکن حفظ شد. ایران از اعتراف به تهاجم علیه کشتیرانی غیر نظامی خودداری و برای کاهش نگرانی بین‌المللی نسبت به بستن تنگه هرمز همواره تأکید می‌کرد که قصد چنین عملی را ندارد؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری است که پیامدهای چنین اقدامی را متحمل خواهد

---

۱- گرچه عراق استفاده از سلاحهای شیمیایی را بصورت محدود آغاز کرد ولی در ماههای پایانی جنگ بنحو گسترده‌ای مورد استفاده قرار داد. در عملیات والفجر ۱۰ در حلبچه ۵ هزار نفر بر اثر این حملات به شهادت رسیدند. همچنین عراق بهنگام بازپس‌گیری فاو به استفاده از سلاحهای شیمیایی سیانوری مبادرت کرد. که اینگونه استفاده از سلاحهای شیمیایی در دوران پس از جنگ جهانی اول بی‌سابقه بوده است.

شد<sup>۱</sup>.

کشورهای خلیج (فارس) نیز نسبت به دخالت مستقیم ابرقدرتها در این منطقه اکثراً نگرانی داشتند. البته پس از سال ۱۹۸۷ (سه سال پس از آغاز جنگ نفتکشها) بود که سرانجام کویت را وادار کرد تا خواستار حمایت ابرقدرتها شود؛ حتی زمانی که نیروی دریایی آمریکا به دخالت در خلیج فارس اقدام کرد، واکنش تهران سنجیده و محدود بود. این واکنشها در سطح نمایش قدرت، مانورهای دریایی گسترده و استقرار موشکهای چینی کرم ابریشم در تنگه هرمز بود. همچنین ایران تلاشهایی را برای اطمینان دادن به کشورهای خلیج (فارس) و تضعیف حمایت سیاسی از نصب پرچم انجام داد. اقدام نظامی ایران به حملات علیه کشتیهای بدون اسکورت و استراتژی غیرمستقیم مین گذاریهای دریایی، محدود بود و حتی در مواقعی که نیروهای آمریکایی علیه کشتیها، هواپیماها و یا تأسیسات ایرانی آتش می‌گشودند، تهران همواره از واکنش مستقیم خودداری می‌کرد. بنابراین نمی‌توان جنگ ایران و عراق را الگویی از جنگ تطبیق کرد که با ابتکار ات‌نابخردانه و شتابزده دو طرف متخاصم در بحبوحه جنگ کنترل ناپذیر می‌شود. این امر الگوی جایگزین نبود کنترل رانفی کرد؛ مدلی که در آن، گرچه هر دو ممکن است عملکردهای خود را بر اساس هزینه‌ها و منافع بسنجند، برداشت آنها از منافع و هزینه‌ها خالی از اشکال نیست؛ زیرا در جریان درگیری شاید هدفها و برتریها تغییر پذیرد؛ به شکلی که همان چیز نامعقول در آغاز نبرده تنهار اھکار سیاسی ممکن تبدیل شود. جنگ جهانی اول تصویر کلاسیک نوع «سیستماتیک» این فشارهای تصاعدی بود یا به گونه‌ای که رقیبان، درگیر نبردی وحشتناک شدند که در آغاز، هرگز انتظارش نمی‌رفت. در نظر اول، جنگ ایران و عراق نمونه‌ای روشن از فشارهای تصاعدی سیستماتیک است. محاسبه رئیس جمهور عراق، صدام حسین مبنی بر اینکه او می‌تواند در سال ۱۹۸۰ طی جنگ کوتاه محدود علیه ایران وارد عمل شود بسیار اشتباه از کاردر آمد و این راهنمایی انور سادات را که نباید با یک انقلاب جنگید، به اثبات رسانید<sup>۲</sup>.

1-Tehran Domestic Service, 17 May 1984.

2- Efraim Karsh. "Military Power and Foreign Policy Goals: The Iran-Iraq War Revisited", International Affairs, Winter 1987/88.

جنگ به رغم پیشنهاد صریح صدام حسین در مورد آتش‌بس ادامه یافت<sup>۱</sup>. و حتی در سال ۱۹۸۲ که نیروهای عراقی به پشت مرزهای اصلی خود عقب‌نشینی کردند، ایران حملات خود را ادامه داد؛ با این هدف که رژیم بعثی را سرنگون سازد.<sup>۲</sup> تصاعد به کار بردگازهای شیمیایی، تهاجم به کشتیهای بازرگانی و بمباران هوایی غیرنظامیان انجامید که بطور هر اسناکی یادآور گسترش جنگ جهانی اول و رای بن‌بست جبهه‌های نبرد بود. ایرانیان با شور و احساسات انقلابی شش سال جنگ خونین را دامه دادند و همین قربانیها و فداکاریهای انجام شده سبب شد که آیت‌الله خمینی (ره) تصمیم ناگهانی خود مبنی بر پذیرش آتش‌بس را نوشیدن به سم تشبیه کند.

با وجود این نباید درباره میزان احساسات و تعصبات جنگی ایران و عراق که به یک جنگ بسیار معقول منجر شد، اغراق ورزید. جنگ برای مدتی طولانی مزایای قابل ملاحظه‌ای برای ایران داشت. این جنگ از انقلاب حفاظت کرد، و پاکسازی مخالفان سیاسی را توجیه بود. همچنین طی چندین سال بعد از ۱۹۸۲ احتمال پیروزی نهایی ایران وجود داشت<sup>۳</sup>. تعصب مذهبی که در میدان جنگ یا تظاهرات در تهران تجلی می‌یافت، سبب نادیده گرفتن بعضی موارد احتیاطی در هدایت استراتژیکی جنگ توسط ایران نشد. این عراق بود که اغلب، حرکات تصاعدی را آغاز می‌کرد.

زمانی که دو طرف دریافتند که این نبرد ویژه به نفع هیچیک نیست، ثابت کردند که

---

۱- عراق پس از تحمل شکست اولیه پیشنهاد آتش‌بس را در شرائطی اعلام کرد که حتی حاضر به تخلیه خاک ایران نمی‌شد. پذیرش پیشنهاد عراق از سوی ایران بمنزله پذیرش حضور نیروهای اشغالگر در مناطق اشغالی بود بدون اینکه هیچگونه تضمینی برای عقب‌نشینی نیروهای عراقی وجود داشته باشد.

۲- عدم تأمین خواسته‌های ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و پرداخت غرامت منجر به ادامه جنگ شد و ایران هیچگاه عملیات نظامی با هدف سرنگونی صدام را دنبال نکرده است، بلکه اساساً تنبیه متجاوز و تأمین خواسته‌های برحق ایران مورد تأکید بوده است.

۳- این برداشت مهمترین عامل وانگیزه برای حمایت کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی از عراق بود. و عبارتی نگرانی از برتری سیاسی- نظامی ایران مانع از تأمین خواسته‌های برحق ایران و در نتیجه حمایت از صدام برای ادامه جنگ بود.

می‌توانند شدت نبرد را کاهش دهند. بنابراین نخستین جنگ شهری در ژوئن ۱۹۸۴ با آتش‌بس پیشنهادی سازمان ملل متحد پایان پذیرفت و پس از آن دیگر حملات علیه اهداف غیرنظامی به شیوه‌های مختلف پایان می‌یافت؛ بدین شکل که یکی از دو طرف تمایل خود را مبنی بر پایان حمله اعلام می‌کرد و طرف دیگر بطور مشابه عمل می‌نمود.

این امر درست برخلاف تجربه‌های جنگ جهانی دوم بود که تلاش برای پایان دادن به بمبارانهای هوایی کمتر به نتیجه می‌رسید زیرا یک طرف، کمتر آتش‌بس پیشنهادی از سوی طرف دیگر را می‌پذیرفت.

این واقعیت که ایران و عراق سفارتخانه‌های خود را در پایتخت‌های یکدیگر در طول جنگ تعطیل نکردند، بخوبی نشان می‌داد که آنها می‌خواستند جنگ تحت کنترل شدید سیاسی باشد. این امر نیز درست است که جنگ به گونه‌ای توسعه یافت که هیچیک از دو طرف خواهان آن نبودند؛ زیرا وضعیت به شکلی بود که سرنوشت جنگ را صرفاً جریانات جنگ مشخص می‌کرد. تأثیر منافع متفاوت دو طرف درباره محدودیت جنگ هنگام بررسی اهمیت عدم تعادل استراتژیک مورد بحث قرار خواهد گرفت. در هر حال حرکت آرام تصاعد در جنگ، بر محتاط بودن دو طرف دلالت داشت تا جنگ به وضعیتی جبران‌ناپذیر کشانده نشود. وقتی سطح جنگ به جایی می‌رسید که دو طرف بی‌ثمر بودن آن را نسبت به وضعیت گذشته احساس می‌کردند، امکان برداشتن موانع موجود فراهم می‌شد. این امر همچنین در کاهش تصاعد دشمنی‌ها در خلیج (فارس) پس از جریانات پیاپی شدید تضاد بین ایران و آمریکا آشکار بود. بنابراین بطور کلی به نظر می‌رسد که جنگ ایران و عراق بیشتر با یک الگوی «سنجیده» جریان تصاعدی منطبق بود تا یک الگوی خارج از کنترل.

### آیا کشورها برای رسیدن به پیروزی یا پرهیز از شکست تصاعد را انجام می‌دهند؟

به گفته کلاوزویتس تمام جنگها تمایل به مطلق شدن دارند؛ از اینرو هر یک از دو طرف خواهان استفاده از منابع بیشتری هستند. حال، این سؤال پیش می‌آید که آیا اهداف سیاسی ارزش این میزان سرمایه‌گذاری و خطر را دارد؟ بویژه در حال حاضر که جنگ افزار هسته‌ای نیز موجود است. این مطلب نیز مطرح است که انگیزه قویتر این گرایش تصاعدی طبیعی ترس از شکست خوردن یا ناامید شدن از دستیابی به پیروزی یا اهداف متوسطی همانند



خودداری از به بن بست کشانده شدن جنگ مانند جنگ گره و ویتنام است. تهاجم عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ بیشتر برای خنثی کردن تهدید ایران علیه موجودیت رژیم بعث انجام شده است.<sup>۱</sup> البته انگیزه‌های دیگری، مانند اصلاح قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر (که یک توافق مرزی نامطلوب توسط ایران زمان شاه بر عراق تحمیل شده بود). نیز بر این وضعیت نقش داشته است اما بغداد در گذشته، پیروزی (امام) خمینی (ره) را تبریک گفت و آمادگی خود را مبنی بر وفادار ماندن نسبت به وضع کنونی قرارداد الجزایر اعلام کرده بود.<sup>۲</sup> در ژوئن ۱۹۷۹، که روحانیون در تهران تصمیم خود را مبنی بر سرنگونی حزب بعث اعلام داشتند، رژیم عراق کوشید تا از راه‌های مختلف ایران را از رسیدن به هدف خود بازدارد. توقیف سازمانهای شیعی زیرزمینی، اخراج تعداد زیادی از ایرانیان و تلاش برای سازماندهی یک جبهه متحد عرب برای جلوگیری از صدور انقلاب ایران، اقدامات آشکاری از این دست است. تنها وقتی که اقدامات مزبور به نتیجه‌ای نرسید، رهبران عراق برای تضمین بقای خود در بلند مدت تصمیم به حمله نظامی گرفتند.<sup>۳</sup> بیشتر حرکات تصاعدی بعدی در جنگ

---

۱- ایران در شرائطی که پس از پیروزی انقلاب بدلیل بحرانهای امنیتی و سیاسی در داخل عمیقاً درگیر تثبیت نظام انقلابی در داخل کشور بوده‌یچگونه طرح و اندیشه مشخصی را برپایه این برنامه برای صدور انقلاب و یاساقط کردن نظامهای سیاسی حاکم بر کشورهای منطقه دنبال نمی‌کرد. محاسبات عراق از اوضاع داخلی ایران بعنوان یکی از عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری عراق که نویسنده در ص ۱۲۹ به اشتباه بودن آن اشاره می‌کند، پس روشن است که ایران نه مایل و نه قادر به تهدید کشوری بوده است. بلکه این کشورها بدلیل وابستگی سیاسی و ماهیت غیر مردمی از یک انقلاب دینی و مردمی نگران بودند.

2. Summary of World Broadcasts , ME/6122/A/1-2, 22 May 1979; see also Iraqi News Agency, 14 February 1979.

3- Efraim Karsh. The Iran - Iraq War: A Military Analysis, Adelphi Paper 220 (London: IISS, 1987), PP. 11-13 A different view on the causes of the war may be found in Shaul Bakhash, The Reign of the Ayatollahs (London: Counterpoint, 1986), P. 125, and R. K. Ramazani, Revolutionary Iran: Challenge and Response in the Middle East

نیز با هدف پرهیز از شکست بود تا حصول پیروزی یا شکستن بن‌بست. ایران به سبب تهدید شکست در اثر تهاجمات اولیه عراق واکنشهای متقابلی را انجام داد: استفاده از سلاحهای شیمیایی به وسیله عراق و حمله به اهداف غیر نظامی و اقتصادی ایران، اغلب با تهاجمات زمینی ایران مرتبط بود تا اینکه سرانجام ایران را به پذیرش آتش‌بس وادار کند. از سوی دیگر، افزایش کمکهای کشورهای حوزه خلیج (فارس) به عراق به طور عمده به این دلیل بود که در صورت شکست عراق، نوبت آنها هم خواهد رسید<sup>۱</sup>. بنابراین در این جنگ به نظر می‌رسد عامل ترس و وحشت بیش از بلند پروازی یا ناامیدی در متقاعد کردن کشور در قبول هزینه‌ها و خطرات اقدامهای تصاعدی مؤثر بوده است.

### «تسلط تصاعدی»، نظامی چقدر مهم است؟

بحثهای دیرینه‌ای در میان استراتژیستهای غربی در مورد تمایل کشورها در افزایش هزینه در یک جنگ وجود داشته است و این بیشتر بستگی دارد به اینکه کدام کشور، قدرت نظامی برتر، و یا منافع مهمتری در نظر دارد<sup>۲</sup>. قبلاً یادآوری شد که دو کشور ایران و عراق زمانی به حرکات تصاعدی در جنگ دست بازیده‌اند که احتمال شکست را احساس می‌کردند؛ ولی سؤال این است که اهمیت برتری نظامی در عرصه‌های جدید چه نقشی در وسوسه کردن کشورها به تصاعد جنگ داشته است؟

دلایل نشان می‌دهد که در واقع این نوع تسلط تصاعدی در تصمیم‌گیری، اهمیت داشته است ولی تعادل تصمیم‌گیری بین دشمنان برای ادامه چنین سطح خصومتی حیاتی بود. این امر در تهاجمات اولیه عراق و سپس بمباران اهداف غیرنظامی مشاهده می‌شود بی‌شک عراق در تابستان ۱۹۸۰ از برتری نظامی اساسی نسبت به ایران برخوردار بود که این به علت بی

۱. ل. ب. هافستاد، *قروا پ. م. مادا*

(Baltimore, MD Johns Hopkins University press, 1988) p. 57.

1- Gers Nonneman, *Iraq, the Gulf States and the War* (London: Ithaca, 1986).

2- Richard Betts, *Nuclear Blackmaif and Nuclear Balance* (Washington DC: BROOKINGS, 1987)

نظمیهای ایجاد شده در ارتش قدرتمند ایران در اثر وقوع انقلاب بود.<sup>۱</sup> اما صدام حسین بسیار اکره داشت که تلفات سنگین را متحمل شود و در نتیجه پایداری رژیم آن در معرض خطر قرار گیرد. این امر صدام را وادار کرد تا از حملات سنگین به شهرها در تهاجم اولیه اش خودداری کند و یک ماه پس از شروع درگیریها در پی یک آتش بس فوری و تشکیل یک خط دفاعی ساکن از سربازانش باشد. همچنین، برتری رو به رشد عراق در قدرت هوایی در نیمه دهه ۱۹۸۰ این کشور را دچار وسوسه فزاینده ای کرد که شهرهای ایران را بمباران کند تا آتش بس برقرار شود اما روحیه بسیار خوب نیروهای ایرانی و تأثیرات مزاحم توپخانه ها و پایگاه های موشکی ایران علیه غیر نظامیان عراقی، صدام را به توقف سریع اقداماتش بر علیه ایران واداشت.

رفتار ایران با این روند تطابق کامل داشت و این اندیشه را تقویت می کرد که برتری نظامی در آغاز حرکت تصاعدی نقش قاطعی دارد ولی نقش روحیه نیز در حفظ این حرکت تعیین کننده است. ایران پس از اینکه به نظر می رسید برتری در جنگ زمینی را بدست آورده است تهاجمات زمینی علیه عراق را آغاز کرد؛ در واقع رویدادهای بعدی نشان داد که پدافند عراق تثبیت یافته است، اما شور و شوق ایرانیها سبب ادامه حملات به مدت شش سال دیگر شد. از سوی دیگر در خلیج (فارس) ایران به شدت مراقب بود تا درگیری جنگ تمام عیار با آمریکا نشود؛ و واقعیت های نظامی شور و اشتیاق انقلابی در تصمیمات تصاعد اولیه را ملغی ساخت. بنابراین جنگ ایران و عراق نشان داد در حالیکه جریان تصاعدی به تعادل نظامی وابستگی شدیدی دارد، جریان کاهش تصاعد بیشتر به نداشتن عزم و اراده وابسته است.

---

۱- اقتضای پیروزی انقلاب اسلامی دگرگونی اساسی در کلیه بنیانهای نظام پیشین بود که با سقوط شاه حیات آن خاتمه یافت. نظریه ماهیت ارتش شاهنشاهی که تحت آموزش متسئاران امریکائی، برای تأمین منافع امریکادر سطح منطقه و داخل ایران، قرارداد داشت مسلماً دامنه این پیروزی می باید در درون ارتش نیز گسترش و تعمیق می یافت. بسیاری از کارشناسان نسبت به توانایی ارتش در زمان شاه- بدلیل ضعف و کاستیهای اساسی آن- برای پاسخگویی به یک تهدید- بادیده تردید می نگرند. حال آنکه تحولات انقلابی در درون ارتش و هویت یابی مجدد آن- شرائط را برای افزایش کارآمدی ارتش جمهوری اسلامی ایران فراهم کرد.

### قابلیت بقای نیروها چه میزان اهمیت دارد؟

همواره این وحشت وجود داشته است که در صورت آسیب‌پذیری نیروها در برابر حمله دشمن احتمالی، قدرتهای هسته‌ای جنگ را تشدیدکنند. در این حالت که نیروها در معرض خطر حمله قرار دارند (احساس می‌شود که یا باید آنها را به کار گرفت یا آنها را از دست داد).<sup>۱</sup> در جنگ ایران و عراق هیچیک از دو طرف نمی‌توانست نیروها یا سرمایه‌های غیرنظامی طرف دیگر را با حمله منهدم سازد و این در حالی است که قدرتهای هسته‌ای قادر به انجام این عمل هستند.<sup>۲</sup>

تهدید واقعی علیه بقای نیروها این است که فرسایش عملیاتی می‌تواند توان نیروها را پیش از رسیدن به هدف کاهش دهد به‌ویژه در مورد کشورهای جهان سوم که کمبود تسلیحات، مهمات، قطعات یدکی و نیروهای متخصص وجود دارد. لذا این مسأله بیشتر از تنها یک مشکل "استفاده و از دست دادن نیروها"<sup>۳</sup> مهم است.

مسائل مربوط به فرسایش عملیاتی تأثیرات دو جانبه‌ای در حرکت تصاعدی جنگ دارد: از یک سو به نظر می‌رسد که هم ایران و هم عراق تشویق شده‌بودند که با حملات خود علیه شهرها و کارخانه‌ها جنگ را تشدید کنند (با توجه به این واقعیت که منابع هوایی ارزشمند در حمله برای گونه اهداف نسبت به اهداف نظامی برخوردار از پوشش دفاعی مناسب دچار تلفات کمتری می‌شوند)<sup>۴</sup>. از سوی دیگر کمبود آمادو نیروی انسانی، عامل اصلی در کاهش حملات هوایی اولیه ایران علیه مراکز اقتصادی عراق و متقاعد کردن عراق به خودداری از بمباران مداوم و حفظ نیروی هوایی به عنوان آخرین حربه برای رویارویی با تهاجم نهایی ایران بود. انهدام هواپیماها و تلفات خلبانان و بعدها بروز هزینه‌های سنگین موشکهای تک

1- Schelling op. cit.

۲- عراق کوشید در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ نیروی هوایی ایران را در زمین نابود کند ولی موفق نشد.

۳- عراق به موازات ناتوانی در جبهه‌های نیرو بمنظور فشارروانی بر ایران حملات رابه مردم غیرنظامی در شهرها گسترش میداد و مقابله علیه ایران بصورت محدود تنها نقش بازدارند. و کنترل داشت. در غیراینصورت ایران هیچگاه برای حمله به مردم غیرنظامی تمایل نداشت و یابرتری نظامی در جبهه‌های جنگ، اوضاع را تحت کنترل داشت.

4- Anthony Tucker, The Gulf Air War, Armed Forces, June 1987.

پرتابی غیردقیق به معنی عدم امکان تداوم حملات بود و این امر به توقف بمبارانها کمک نمود. پس در این جنگ آسیب‌پذیری نیروها در برابر عملیات دشمن فشارهای ناسازگاری را به سمت حرکت تصاعدی و خودداری ایجاد کرده و حملات بی‌ارزش پراکنده را تقویت نمود تا همه یا هیچ یک از حرکات تصاعد ضدنیرو که بطور معمول با انگیزه‌های پیشگیرانه مرتبط است، انجام نشود.

### موارد عدم توازن بین دو طرف درگیر چه میزان اهمیت دارد؟

تئوریهای تصاعد در مورد رویارویی هسته‌ای ابرقدرتها گسترش یافته است و با توجه به اینکه دو طرف درگیر وضعیت سفارشات بمبی دارند، می‌کوشند که حرکات تصاعدی خود را بصورت مرحله‌ای انجام دهند مانند حملات متقابل و اجتناب از بمباران شهرها<sup>۱</sup>. در بیشتر درگیریها مواردی از عدم توازن عمده بین متخصصین وجود دارد.

این موارد نه تنها در سطوح مختلف توانمندیهای نظامی، بلکه در تمامی حوزه‌های آسیب‌پذیری و در شاخص کلی تلاشهای آنها در جنگ یافت می‌شود. این امر می‌تواند تأثیری عمیق برگزیده‌های تصاعدی موجود داشته باشد. همچنانکه ریچارد اسموک<sup>۲</sup> اظهار نموده است در بسیاری از منازعات واقعی توالی حرکات تصاعدی احتمالی بیشتر به یک نردبان خم شده و از شکل طبیعی‌اش خارج گردید، شبیه است و این وضعیت بستگی به صعود تدریجی شدت منازعات دارد<sup>۳</sup>.

موارد عدم توازن بین ایران و عراق عاملی عمده در ایجاد حرکت تصاعدی بود. یکی از علل خودداری ایران از محدود نمودن جنگ در سال ۱۹۸۰، این بود که صدور نفت عراق از راه خلیج فارس در برابر نیروی دریایی ایران بسیار آسیب‌پذیر بود.

پس از آن عراق به برتری هوایی دست یافت و صادرات نفتی خود را از راه زمینی انجام داد، اکنون دیگر نوبت بغداد بود که از آسیب‌پذیری نامتعادل صادرات نفت ایران بهره‌گیری کند. همچنین عراق برای استفاده از سلاحهای شیمیایی، به علت‌های مختلفی تشویق شد که از آن جمله نبودن امکانات پدافند شیمیایی ایران و حساسیت تاکتیکیهای تلافی‌جویانه یا متمرکز

1- Kahn, op. cit.

2- Richard Smoke

3- Smoke, op. cit.

نیروی انسانی ایران در برابر اقدامات متقابل عراق بود. زمانی که این گونه موارد به عنوان عدم توازن به کار گرفته شد، آنها گاهی واکنشهایی فراتر از مقابله به مثل انجام می‌دادند و از اینرو جنگ گسترش بیشتری می‌یافت. چون در سال ۱۹۸۴ هیچ نفتکشی اجازه فعالیت برای عراق در خلیج (فارس) را نداشت و علیه نفتکشهای عازم به سوی ایران حملاتی صورت می‌گرفت. سرانجام، ایران در واکنش نسبت به نفتکشهای عازم به سوی کشورهای طرفدار عراق در ساحل جنوبی خلیج (فارس) مجبور شد. این امر به نوبه خود آمریکا را به دخالت برانگیخت<sup>۱</sup>. بنابراین، اگرچه ایران در بیشتر دوران جنگ خواهان محدود کردن نبرد به میدان جنگ بود و بیشتر کشورها (از جمله عراق) خواهان آتش بس<sup>۲</sup> بودند، عدم توازن بین این برتریها و بین توانمندیها و آسیب‌پذیریهای دوطرف به این معنی بود که خودداری، بسیار کمتر از آن میزانی انجام شد که هر یک از دو طرف به تنهایی خواستار آن بودند.

### اهمیت آستانه‌های کاملاً تعریف شده خشونت

پدیده اصلی در تئوری تصاعد، پدیده آستانه‌های روشن است که در آن هر یک از دو طرف باید اقدامات خصمانه خود را به گونه‌ای محدود کنند که طرف دیگر بسرعت از آن، آگاه شود. توماس شلینگ<sup>۳</sup> اظهار می‌داد که این آستانه‌ها باید به گونه‌ای مطلوب و کیفی باشد.

۱- حضور امریکائیه در منطقه با هدف کنترل پیروزیهای ایران و حمایت از عراق بود و مقابله علیه ایران در برابر حملات عراق، به کشتیها بهانه در اختیار امریکائیه قرار داد، در غیر اینصورت امریکائیه قادر بودند با فشار به عراق از ماجر اجوئیهای این کشور ممانعت بعمل آورند.

۲- در طول مدتی که عراقیها در خاک ایران حضور داشتند ایران آتش بس را مشروط به عقب نشینی عراق کرد لیکن عراق و حامیانیش با درخواست اصولی و برحق ایران مخالفت کردند. پس از بیرون راندن متجاوزین، ایران محکوم کردن متجاوز و پرداخت غرامت به ایران را مقدم بر آتش بس اعلام کرد لیکن مجامع بین‌المللی بنا بر دلالتی با خواسته‌های برحق ایران مخالفت کردند و همین مسئله عامل ادامه جنگ بود.

ساده، مجزا، محدود، آشکار، بدیهی و متمایز نباشد.<sup>۱</sup>

آستانه‌های مربوط به عدم استفاده از بعضی سلاح‌های مشخص و محدودیت عملیات به یک منطقه جغرافیایی یا نوع هدف معین و عدم مداخله بعضی کشورها، در جنگ ایران و عراق نقش داشته‌اند. در هر حال برخلاف شیوه همه یا هیچ<sup>۲</sup> که مورد نظر تئوری تصاعد است، این آستانه‌ها به گونه‌ای شگفت‌انگیز انعطاف‌پذیر هستند. و این امر کمک می‌کند که درگیری حتی بعد از تکرار خشونت دو متخاصم در سطح محدودی حفظ شود. هیچ آستانه‌ای آن چنان مشخص نیست که بتواند در صورت وقوع رویدادهایی باقی بماند. در جنگ ایران و عراق عدم حمله به مناطق غیر نظامی و مناطق مسکونی نزدیک منطقه نبرد، رعایت نشد و عراق، حملات موشکی و هوایی خود را به شهرها در تلافی ضایعات و تلفات وارد شده با حملات توپخانه ایران به شهرهای مرزی مانند بصره مواجه می‌دانست. یک عامل مهم در ترکیب آستانه‌های احتمالی، مسأله تبلیغات و پخش اطلاعات گمراه‌کننده توسط دو طرف درگیر است که اغلب درک رویدادهای واقعی را بسیار دشوار می‌سازد. مشخص شد که آستانه صلح و جنگ در برابر فرسایش و ابهام آسیب‌پذیر است. تهاجم عراق در ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ پس از چندین ماه تنش فزاینده، عملیات خرابکاری و درگیری‌های مرزی انجام شد. عراق، تبادل آتش توپخانه در ۴ سپتامبر را آغاز جنگ می‌دانست. کشورهای «بی‌طرف» حوزه خلیج (فارس) مانند عربستان و کویت به اقدام جنگی عراق کمک چشمگیری کردند. این امر ایران را به ستوه آورد تا جائیکه نفتکشها و دیگر تأسیسات آنها را مورد هدف قرار داد؛ اگرچه آنها بطور رسمی در صلح به سر می‌بردند و حتی روابط بازرگانی خود را با ایران ادامه می‌دادند. برخوردهای بین ایران و آمریکا در آخرین سال جنگ، حالت نه صلح و نه جنگ را داشت و این وضعیت مثل روابط بین آمریکا و لیبی در سال ۱۹۸۶ همانند بود.

روی دیگر سکه این بود که حتی پس از نقض آستانه‌ها، آنها کمتر به طور کامل نادیده گرفته شدند. گاهی اوقات این آستانه‌ها با آتش‌بس ضمنی یا صریح دوباره ایجاد می‌شدند. گاهی دو طرف همچنان نشان می‌دادند که از تشدید عملیات خودداری می‌کنند و نمی‌خواهند

1- Schelling, op. cit. in note 5, p. 138.

2 All Or nothing

جنگی همه جانبه را در منطقه در پیش گیرند. این گرایش در حملات ایران به کشورهای حوزه خلیج (فارس) و نیز در استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی آشکار بود؛ دو طرف با آنکه همچنان شدت جنگ را افزایش می‌دادند، ولی همواره کمتر از میزانی که از لحاظ تئوریک قادر به انجام آن بودند، وارد جنگ می‌شدند.

دلایل بسیاری برای ادامه این خودداری مداوم وجود داشت. مانند فرسایش نیروها، جلوگیری از مخالفت متحدان آنها، افکار عمومی جهان، و شاید مهم‌تر از همه رابطه مقابله به مثل بود؛ به این معنا که خودداری سبب محدود شدن دامنه انتقام دشمن می‌شود. بنابراین اقدامات خشونت‌آمیز مقطعی بودند نه پایدار، و رویدادهای تصاعدی خاص موارد استثنایی بودند و قوانین رابه کلی تغییر نمی‌دادند. بنابراین، جنگ ایران و عراق نشان داد که آستانه‌های کیفی مشخص در جریان تصاعدی نه آن چنان مستحکم و نه آن چنان شکننده هستند که پیش از این تصور می‌شد.

#### آیا ابرقدرتها باید درگیر شوند یا کناره‌گیری کنند؟

از پایان دهه ۱۹۷۰ که بحرانهایی در ایران و افغانستان پدید آمد، خلیج (فارس) همواره نقطه انفجار بالقوه‌ای در رویارویی دو ابرقدرت بوده است. این امر یک مسأله پیچیده دائمی را در سیاست خارجی آمریکا مورد تأکید قرار داده که آیا مهم‌ترین راه برای پرهیز از جنگ، کنارگیری از منازعات منطقه‌ای است یا اینکه برای مدیریت بهتر آنها باید مداخله کرد؛ هر چند در نتیجه این مداخله، بر خورد منافع با شوروی پیش‌آید که در جریان آن هیچیک از ابرقدرتها قادر به کنترل کامل عملکردهای حامیان محلی خود نبودند.

برخلاف جنگهای اعراب و اسرائیل و به رغم اقدام آمریکا، که یک نیروی واکنش سریع را پایه‌گذاری کرد، جنگ ایران و عراق محرک رویارویی سریع ابرقدرتها نبود. این مسأله تا اندازه‌ای بدان دلیل بود که بحران اقتصادی جهان، صادرات نفت را از خلیج (فارس) کمتر از دهه ۱۹۷۰ حساس کرد، اما علت اصلی این بود که ابرقدرتها از هیچیک از دو طرف درگیر به طور کامل پشتیبانی نکردند؛ آن چنانکه سالها پیش عمل کرده بودند<sup>۱</sup>. این کناره‌گیری نسبی از

1. Ralph King, The Iran - Iraq War: The political Dimension, Adelphi paper 21 9(London: IISS, 1987).



رویاریوی سریع جلوگیری می‌کند اما در دراز مدت کارآیی چندان مؤثری ندارد. یکی از دلایلی که شدت این درگیری، با وجود کمبود بودجه و آمادگانش نیافت، این بود که درآمدهای نفتی، بودجه را تامین، و بازار بین‌المللی تسلیحات جنگ افزار و مهمات را فراهم می‌کرد و هر یک از ابرقدرتها به سبب منافع بعد از جنگ با متخاصمان به گونه‌ای همکاری داشتند.<sup>۱</sup> این عوامل فرصت را برای جنگ شیمیایی و کاربرد موشکهای زمین به زمین فراهم کرد. مهم‌تر از آن، وقتی عراق خود را در آستانه شکست دید، جنگ را تشدید کرد تا ابرقدرتها را مجبور به اقدام برای توقف آن کند، همانگونه که انورسادات در سال ۱۹۷۳ به اسرائیل حمله کرد تا آمریکا مسأله را حل فصل نماید.

صدام حسین جنگ نفتکشها را در سال ۱۹۸۴ آغاز کرد تا واکنش شدید ایران را برانگیزد. این واکنش ایران می‌توانست آمریکا را علیه ایران وارد جنگ کند یا تحمیل فشارهای بین‌المللی را برای پذیرش آتش‌بس مورد نظر عراق در پی داشته باشد. این تاکتیک سرانجام مؤثر واقع شد؛ یعنی کویت با بهره‌گیری از رقابتهای موجود بین ابرقدرتها و تهدید به تقاضای دخالت شوروی، بر احساس نارضایتی آمریکا از دخالت فائق آمد. در آن زمان ابرقدرتها یک هدف داشتند و آن جلوگیری از پیروزی ایران بود؛ بنابراین دو ابرقدرت می‌توانستند از رویاریوی پرهیزکنند و در مقابل با فراهم کردن سلاح و اطلاعات محرمانه به عراق کمک، و ایران سرسخت را تحریم تسلیحاتی کنند.

تحریم ایران و دخالت مستقیم آمریکا در خلیج (فارس) سرانجام رهبری ایران را به پذیرش قطعنامه<sup>۲</sup> ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و آتش‌بس نهایی<sup>۳</sup> وادار کرد. بنابراین

---

1- Shahara Chubin, Hedging in the Gulf: Soviets Arm both Sides, International Defense Review, June 1987.

۲- تحولات نظامی جبهه‌های نبرد در مقایسه با دخالت مستقیم آمریکا و تحریم ایران نقش بیشتری در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران داشت. در واقع بازپس‌گیری مناطق تصرف شده از سوی ایران با عملیات نظامی عراق، توازن را به زیان ایران تغییر داد و امکان ادامه جنگ را بشدت از میان برد.

3-The Independent, 22 July 1988. The text of the Resolution may be found in Survival, Nov/Dec 1988, pp. 556-7.

تجربه جنگ ایران و عراق خطرات کناره‌گیری ابرقدرتها را از منازعات جهان سوم نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که دخالت فعال در درازمدت می‌تواند ایمن‌تر باشد؛ البته در صورتی که منافع ابرقدرتها با یکدیگر هماهنگ باشد نه متضاد.

### تصاعد در ایجاد صلح چقدر مؤثر است؟

ناتو حق خود را در میزان کارآیی جریان تهدید کردن به تصاعد هسته‌ای حفظ کرده است تا بتواند دشمن را به توقف حملات خود و عقب‌نشینی وادار، و صلح را از این راه ایجاد کند (همانند وقتی که آمریکا، ویتنام شمالی را بمباران کرد و اسرائیل، اهداف اقتصادی مصر را در خلال جنگ فرسایشی ۱۹۶۹-۷۰ مورد هدف قرار داد) جنگ ایران و عراق چندین نمونه از این نوع عملکرد را نشان می‌دهد. کشوری که می‌کوشد تا جنگ را پایان دهد و به حالت پیش از جنگ بازگردد، همان کشوری است که سطح دشمنی را گسترش می‌دهد. تلاش اولیه عراق برای دستیابی به صلح از راه جریان تصاعد شکستی ملال‌انگیز بود. به نظر می‌رسد که هدف صدام حسین از تهاجم محدود سنجیده‌اش که تنها با ۵ لشکر از ۱۲ لشکر عراق انجام شد، این بود که رژیم انقلاب را از براندازی حزب بعث منصرف کند؛ بدون اینکه درگیر جنگی تمام عیار شود.<sup>۱</sup> در هر حال چون گستره محدود تهاجم عراق، حکومت ایران را در معرض خطر جدی قرار نداد، موجب تعدیل آن نیز نشد. در عوض مقامات ایران مشروعیت خود را تحکیم، مردم را برای مبارزه‌ای سخت با بعثی‌ها متحد کردند. اقدامهای تصاعدی بعدی عراق در وادار کردن ایران به پذیرش آتش‌بس ناکام ماند. جنگ نفتکشها بویژه با وجود ذخایر نفت جهان و ظرفیت تانکرها که در اثر اشباع بازار نفت ایجاد شده بود، اقتصاد ایران را فلج کرد.<sup>۲</sup> بمباران اهداف غیر نظامی نیز آن چنانکه بمبارانهای استراتژیک در جنگهای گذشته موثر بود<sup>۳</sup>؛ تأثیر چندانی بر انعطاف‌پذیری ایران نداشت ولی این اوضاع در طول جنگ ادامه نیافت

۱- شواهد نشان می‌دهد هدف رژیم عراق از آغاز جنگ، مسائلی بسیار گسترده‌تر از مورد ذکر شده می‌باشد.

2-Anthony Cordesman, *The Iran - Iraq War and Western Security* 1984 87 (London: RUSI and Janes, 1987), pp. 46 - 53.

3-The Limits of Coercive Diplomacy (Boston, MA: Little, Brown & Co., 1971).

زیرا به نظر می‌رسید که تکرار بمباران مناطق مسکونی در شکست روحیه ایرانیها و پذیرش آتش‌بس نهایی<sup>۱</sup> نقش داشته است.<sup>۲</sup>

در این میان مجموعه عللی قابل توجه است که باعث تضعیف روحیه نهایی ایرانیها شد و برای پذیرش آتش‌بس ضروری بود. نه تنها بمباران موشکی و هوایی تهران و دیگر شهرها بلکه درگیریهای ایران با نیروی دریایی آمریکا در خلیج (فارس) و موفقیت‌های عراق در جنگ بویژه از زمان بازپس‌گیری شبه جزیره فاو در آوریل ۱۹۸۸ در این روند مؤثر بود. این جنگ نشان داد که جریان تصاعد می‌تواند سرانجام به صلح منتهی شود، ولی راه دستیابی به این هدف بسیار دشوار و طولانی‌تر از آن است که در ابتدا انتظار می‌رفت اقدامهای تصاعدی منحصر به فرد مانند تهاجم تنبیهی و یا جنگ شهرها کمتر به تنهایی برای وارد کردن یک طرف به پذیرش آتش‌بس کافی است.

### نتیجه‌گیری

جنگ ایران و عراق تأثیر مهمی بر مسایل تئوریک اساسی تصاعد داشته است.

در این منازعه منطقه‌ای خاص، ویژگیهای زیرنمایان است:

- جریان تصاعدی به طور ارادی و سنجیده انجام می‌شد و حالتی خارج از کنترل نداشت. اگر دو طرف درگیر، سطح قبلی خصومتها را ترجیح می‌دادند این جریانهای تصاعدی با ابتکارات محتاطانه و محدود خنثی می‌شد.
- ترس از شکست برای جریان تصاعدی انگیزه‌ای قوی بود تا امید به پیروزی یا ناامیدی در یک بن‌بست مداوم.
- توازن نظامی در عرصه نوین خصومتها تصمیمات درباره تصاعد اولیه را کنترل می‌کرد، اما

---

۱- نویسنده در صفحه قبل تحریم ایران و دخالت مستقیم را عامل پذیرش آتش‌بس از سوی ایران اعلام کرده است ولی در اینجا به عامل روانی و نقش حمله عراق به مناطق مسکونی اشاره می‌کند. در مجموع چنانکه اشاره شد این عوامل هیچکدام نقش تعیین‌کننده در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران نداشته است گرچه از تأثیرات نه چندان تعیین‌کننده‌ای برخوردار بوده است.

روحیه و ثبات قدم در تعیین کارآیی عملیات برتر بود.

● فرسایش عملیاتی از آسیب پذیری نیروها در برابر حمله دشمن بیشتر مؤثر بود این مسأله حملات ناگهانی و کوتاه را به جای حملات پیشگیرانه و همه جانبه برمی انگیزد.

● عدم توازن توانمندیها و آسیب پذیریهای دو طرف، باعث تصاعد درگیری می شد در حالی که عدم توازن در محدودیتهای مورد نظر به این معنا بود که درگیری وسیعتر از حدی بود که طرف ترجیح می داد.

● آستانه های تضاد، انعطاف پذیر بودند نه شکننده؛ و در معرض فرسایش و ابهام بودند، اما حتی پس از خشونت های مکرر کم و بیش تأثیر مهار را حفظ کردند.

● کناره گیری ابرقدرتها برای توقف بحران مؤثر نبود در حالی که مداخله آنها موجب همکاری در پایان بخشیدن به جنگ شد.

● اقدام تصاعدی به وسیله قدرتهای موجود اگر چه سرانجام برقراری آتش بس را در پی داشت، ولی راه دستیابی به آن بسیار طولانی تر و دشوارتر از آن بود که در آغاز انتظار می رفت. ●

برخی از این ویژگیها مانند افزودن هزینه درگیری و دشواری برقراری صلح به وسیله جریان تصاعدی سبب تقویت منطق رایج درباره جریان تصاعدی می شود. در موارد دیگری مانند کنترل پذیری جریان تصاعد، اهمیت برتری تصاعد و شرایط مطلوب برای درگیری ابرقدرتها، جنگ ایران و عراق تأثیر مهم بر برخی از بحثهای تئوریک اساسی و حل نشده برجای گذاشت. مهمتر اینکه این جنگ، بینشهای نوینی را درباره تئوری تصاعد ارائه می دهد، بویژه در زمینه تأثیر فرسایش نیروها، تأثیر عدم توازن بین متخصصین، انعطاف پذیری آستانه های جنگ و امکان کاهش تصاعد، در جنگ در حال پیشرفت. کمتر کشوری دارای منابعی شبیه ایران و عراق است و مانند آنها توانایی پایداری در برابر چنین جنگ طولانی را دارد؛ اما چندین مورد رقابت طولانی بین قدرتهای منطقه ای جهان پیشرفته وجود دارد که از زرادخانه های پیچیده پیشرفته از جمله موشکها و سلاحهای شیمیایی برخوردارند و یا در حال دستیابی به آنها هستند. ایران و عراق تجلی بسیار مناسبی از این گونه رقابتهای می باشند.

جنگ ایران و عراق بینشهای عملی سودمندی را درباره جریان تضادهای احتمالی آینده بین قدرتهای منطقه ای ارائه می دهد. از جمله احتمال درگیری مجدد بین ایران و عراق؛ حتی بینشهای دیگری نیز وجود دارد بویژه در مورد اهمیت بررسی کاهش تصاعد که می تواند به

طور موثر در چارچوب تئوریکي مربوط به تصاعد و تضاد در سطح ابرقدرتها شود، این جنگ مدلی را ارائه نمی‌کند، الگوهای جنگی ایران و عراق را نباید به عنوان اصول کلی پذیرفت که می‌توان آنها را بدون تغییر اصلاح در دیگر تضادهای منطقه‌ای به کاربرد، ولی این جنگ محدوده‌ای از احتمالات و عواملی را نشان می‌دهد که ممکن است برپویایی تصاعد در یک مبارزه بین طرفهای درگیر کاملاً مسلح تأثیر بگذارد. بنابراین این شکاف بین تئوری و عمل را در تحلیل جنگهای پیشرفته کاهش می‌دهد.<sup>۱</sup>

### روزشماری کوتاه از جنگ ایران و عراق

:۱۹۸۰

۲۳ سپتامبر: نیروهای عراقی وارد ایران شدند.

۲۸ سپتامبر: عراق پیشروی خود را متوقف کرد و آماده پذیرش آتش‌بس شد.

۲۴ تا ۲۵ اکتبر: عراق خرمشهر را تصرف کرد.

:۱۹۸۱

۵-۱۱ ژانویه: تهاجم متقابل عمده ایران در اطراف سوسنگرد با شکست روبرو شد.

۲۷-۲۹ سپتامبر: ایران محاصره آبادان را درهم شکست.

۲۹ نوامبر تا ۷ دسامبر: ایران بستان را بازپس گرفت و نیروهای عراقی مستقر در سوسنگرد را به محاصره تهدید کرد.

:۱۹۸۲

۲۲-۳۰ مارس: نیروهای عراقی از محور شوش-دزفول به عقب رانده شدند.

۲۴ آوریل تا ۲۵ مه: ایران بسیاری از مناطق خوزستان را بازپس گرفت.

۲۰ ژوئن: عراق اعلام کرد که ظرف ده روز از تمامی خاک ایران عقب‌نشینی خواهد کرد.

۱۳ جولای تا ۲ اوت: نخستین حمله ایران به خاک عراق به سمت بصره انجام شد که تلفات سنگین و نتایج بسیار اندکی دربرداشت.

اکتبر- نوامبر: پنج حمله عمده ایران در جبهه‌های مرکزی دفع شد.

---

1-The Iran - Iraq War: Impact and Implications (London: Macmillan, forthcoming).

۱۹۸۴:

فوریه: عراق جنگ نفتکش‌ها را علیه کشتی‌های غیرنظامی ایران آغاز کرد که تا پایان جنگ متناوباً ادامه داشت.

۲۲-۷ فوریه: نخستین جنگ شهرها آغاز شد.

۲۴-۱۵ فوریه: بزرگترین حمله ایران در طول جنگ در جبهه مرکزی دفع شد.

۱۹۸۵:

ژانویه - فوریه: نخستین حمله عراق پس از ۱۹۸۰ در نواحی جبهه مرکزی با شکست روبرو شد.

۲۵-۱۵ مارس: دومین مرحله از جنگ شهرها آغاز شد که به طور متناوب و بسیار محدود تا ۳۰ ژوئن ادامه یافت.

از نیمه اوت تا دسامبر: حملات هوایی عراق علیه جزیره خارک انجام شد.

۱۹۸۶:

۲۹-۹ فوریه: ایران شبه جزیره فاو را تصرف کرد.

۳۰ ژوئن تا ۹ جولای: ایران مهران را که از یک ماه قبل به اشغال عراق در آمده بود، بازپس گرفت.

۱۲ اوت: نخستین حمله موفق عراق بر ترمینال نفتی ایران در جزیره سیری و در نزدیکی تنگه هرمز انجام پذیرفت.

۱۹۸۷:

ژانویه - مارس: اجرای تهاجمات بزرگ ایران در محور بصره، که تلفات سنگین و نتایج بسیار اندکی در برداشت.

ژانویه - مارس: سومین مرحله از جنگ شهرها آغاز شد.

۱۴ آوریل: شوروی اعلام کرد که ۳ نفتکش خود را برای کاهش حملات ایران علیه کشتی‌های کویتی به این کشور اجاره خواهد داد.

۶ آوریل: آمریکا بطور اصولی پذیرفت که ۱۱ نفتکش کویتی با استفاده از پرچم آمریکا حرکت کنند.

۱۷ مه: ناو آمریکایی استارک به صورت تصادفی مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت و ۳۷ تن کشته شدند.

۲ جولای: شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۵۹۸ را برای برقراری آتش بس تصویب کرد.

۲۲ جولای: آغاز عملیات نصب پرچم آمریکا بر روی کشتیها.

۲۴ جولای: نفتکش بریجستون<sup>۱</sup> که دارای پرچم آمریکا بود با یک مین دریایی برخورد کرد.

۲۱ اوت: نیروی دریایی آمریکا فرماندهی خلیج (فارس) را تشکیل داد.

نیمه اوت تا پایان ۱۹۸۷: چهارمین مرحله از جنگ شهرها آغاز شد.

۲۱ سپتامبر: نیروی دریایی آمریکا کشتی<sup>۲</sup> «ایران اجر» را در حال مین‌گذاری در آبهای بین‌المللی توقیف کرد.

۸ تا ۲۲ اکتبر: آمریکا ۳ قایق گشتی ایران را در خلیج (فارس) غرق کرد.

ایران یک نفتکش دارای پرچم آمریکا را در آبهای کویت مورد حمله موشکی قرارداد؛ آمریکا سکوی نفتی ایران را منهدم ساخت. و ایران با موشکهای کرم ابریشم به ترمینال نفتی کویت حمله کرد.

۱۹۸۸:

مارس: به خاطر وحشت از نفوذ ایران در ناحیه کردستان، عراق شهرکردنشین حلبچه را مورد حمله شیمیایی قرار داد که تلفات این حمله، هزاران غیر نظامی بود.

۱۷-۱۸ آوریل: عراق «فاو» را بازپس گرفت؛ آمریکا دو ناوچه ایران را در یک نبرد دریایی منهدم کرد.

پایان ماه ژوئن: عراق، جزایر مجنون را که از سال ۱۹۸۵ در اشغال ایران بود، بازپس گرفت.

۳ جولای: ناو وینسنس آمریکا یک هواپیمای مسافربری ایران را مورد هدف قرار داد و ۲۹۰ نفر غیر نظامی ایرانی در این حادثه کشته شدند.

جولای: عراق با حمله به کردستان، برخی از ارتفاعات استراتژیک را به تصرف درآورد.

نیمه جولای :نخستین تهاجم عراق به ایران پس از گذشت شش سال انجام شد.  
۱۸ جولای : ایران قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را پذیرفت.  
۲ اوت : آتش بس در جنگ ایران و عراق برقرار شد.